

جهان‌نمای زکریا قزوینی

مجلد دوم کتاب «تاریخ نقشه‌نگاری» که اواخر سال ۱۹۹۲ در امریکا منتشر شد و حاوی سیر نقشه‌نگاری در کشورهای اسلامی و شبه قاره هند بود، شامل جهان‌نمایی از زکریا عمادالدین قزوینی به عنوان تصویر روی جلد کتاب است! با توجه به اهمیت استثنائی این کتاب و اثر آن در محافل جهانی نقشه‌نگاری، و با ملاحظه این که توضیحات مربوط به نقشه قزوینی در متن کتاب کافی به نظر نرسید، در مجمعی از دوستانان نقشه‌های جغرافیایی که در هجدهم ژانویه ۱۹۹۳ در لندن برپا بود، ظرف چند دقیقه توضیحاتی مختصر داده شد که مورد توجه فوق‌العاده حضار قرار گرفت، و خواستند که آن را به صورت مقاله‌ای درآورم. این مقاله در شماره بهار ۱۹۹۳ مجله «انجمن بین‌المللی دوستانان نقشه»^۱ در لندن منتشر شد، و با استقبالی که از آن به عمل آمد، از نظرم گذشت که چگونه است که بسیاری از غربیان به آثار مدنیت ما در سده‌های گذشته با نظر احترام و تکریم می‌نگرند و آن مدنیت را از جمله بنیادهای محکمی می‌دانند که زیربنای تمدن کنونی جهان است، و اطلاع از سیر آن مدنیت را برای درک وضع حاضر و اثرگذاری روی وضع آینده، مفید و بلکه لازم می‌شمارند، ولی ما خود توجه چندانی به این میراث گرانبها نداریم. تشویق مدیران محترم مجله ایران‌شناسی سبب شد که مقاله مذکور را به فارسی برگردانم و توضیحی چند بر آن بیفزایم تا ذکر از این دانشمند عالیقدر ایرانی در میان فارسی‌زبانان شده باشد، دانشمندی که در عصر خود کاری سترگ و قابل تحسین انجام داد تا آن‌جا که جهان‌نمای او بعد از گذشت هفت سده زینت بخش

روی جلد مهم‌ترین کتاب تاریخ نقشه‌نگاری در غرب است. همزمان، به‌نظرم رسید که شاهد زنده دیگری بر این مدعا یافته‌ام که فرهنگ ایران محدود به شعر و ادب نبوده و نیست، و دانشمندان و پژوهشگران ایرانی هر یک در عصر خود در رشته‌های بسیار دیگری نیز درخشیده‌اند.

زندگی‌نامه مختصر قزوینی

زکریا بن محمد بن محمود — کنیه: ابویحیی یا ابوعبدالله — لقب: جمال‌الدین و گاهی عمادالدین — معروف به قزوینی، کیهان‌شناس و جغرافیدان به‌نام ایرانی، در سال ۶۰۰ق / ۱۲۰۳م^۲ در شهر قزوین متولد شد. به روایتی یکی از اجداد او به‌نام شیخ ابوالقاسم که عرب بوده و نسبش به انس بن مالک انصاری^۱ خادم رسول‌الله می‌رسیده، در قزوین ساکن و ایرانی شده است.^۵ بر اساس این ارتباط، و شاید بیشتر به این جهت که قزوینی قسمت عمده عمر خود را ساکن مناطق عرب‌زبان بوده و کتابهایش را به عربی تصنیف کرده است، محافل عربی و بعضی شرق‌شناسان او را عرب شمرده‌اند، در حالی که طبق نوشته لویکی (Lewicki) در «دائرة المعارف اسلام»، از سبک نوشته‌های قزوینی معلوم است که عربی زبان مادری او نبوده است.^۱ بنابراین، با توجه به اقامت جد وی در قزوین و ازدواج با ایرانی، و با عنایت به این که او خود بعد از چند نسل که همگی مقیم قزوین بوده‌اند، در همان شهر تولد و پرورش یافته و زبان مادریش نیز فارسی بوده است، طبق هر مقیاس و معیاری می‌توان و بلکه باید او را ایرانی شمرد. او در جوانی به دمشق کوچ کرد و در آن‌جا چندگاهی به تحصیل علوم و آداب اشتغال داشت، و از جمله نزد اثیرالدین ابهری، حکیم بزرگ ایرانی؛ تلمذ نمود^۲ و حدود سال ۶۳۰ق / ۱۲۳۳م در همین شهر با حکیم شهیر صوفی محی‌الدین معروف به ابن عربی ملاقات کرد.^۵ سپس رهسپار عراق عرب شد، و ضمن سفرهایش با بسیاری از کیهان‌شناسان و جغرافیدانان وقت محشور گشت، و مدتی نیز به فرمان مستعصم بالله، آخرین خلیفه عباسی، با منصب قضاء حله و واسط مشغول کار بود، و در مدرسه شرایبه واسط نیز تدریس می‌کرد.^۱ وقتی شهر بغداد در سال ۶۵۶ق / ۱۲۵۸م به دست مغولان افتاد، و بساط خلافت عباسیان برچیده شد، قزوینی از اجتماع کناره گرفت و تمام وقت خود را صرف مطالعات علمی کرد. عظاملک جوینی سیاستمدار و مورخ ایرانی و صاحب تاریخ جهانگشا که از سال ۶۶۱ق / ۱۲۶۲م از طرف هولاکو و اباقا به حکومت بغداد و عراق منصوب شد و تا آخر عمر (۶۸۲ق / ۱۲۸۳م) در این سمت باقی ماند، قزوینی را

تحت حمایت خود گرفت، و به همین علت است که قزوینی آثار خود را به عظاملک پیشکش کرده است. "وفات قزوینی تقریباً همزمان با درگذشت عظاملک جوینی در سال ۱۲۸۳ق / ۱۲۸۳م واقع شده است.

آثار قزوینی

از زکریای قزوینی دو اثر مهم به جا مانده است:

کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات که مربوط به کیهان‌شناسی است و شامل دو بخش است. بخش اول درباره موجودات و اجرام آسمانی و بخش دوم مربوط به موجودات و اشیای زمینی است. او در بخش اول در مورد علویات یعنی اجرام سماوی چون ماه و خورشید و ستارگان سخن می‌گوید و از ساکنان بهشت و فرشتگان صحبت می‌کند و از تقویم عربی و سوری و مشکلات گاهشماری یاد می‌نماید. بخش دوم در مورد سفلیات است که با مقاله‌ای در مورد چهار عنصر شروع می‌شود. او زمین را بر اساس فرضیه بطلمیوس به هفت منطقه یا نوار آب و هوایی تقسیم می‌کند و دریاها و رودخانه‌ها را برمی‌شمارد و علت زلزله و پیدایش کوهها و دره‌ها را توضیح می‌دهد. سپس به شرح تفصیلی سه عالم طبیعت که عالم جماد و عالم نبات و عالم حیوان باشد، می‌پردازد. بعد به عالم انسان و تشریح صفات و مشخصات نژادی و قبیله‌ای بشر می‌رسد و از جن و غول نیز دم می‌زند. این کتاب به عقیده بسیاری از مطلقین، اولین کار منظم و قابل ملاحظه در مورد گاهشماری کیهانی در ممالک اسلامی است، و به همین سبب مورد توجه و علاقه کامل دنیای اسلام آن زمان قرار گرفته، و اصل کتاب که به عربی است و ترجمه‌های ترکی و فارسی آن به تعداد نسبتاً زیادی دستنویسی شده، و بعضی بعداً به چاپ رسیده است. از جمله در زمان ابوالمظفر ابراهیم عادل‌شاه یکی از نسخه‌های فارسی کتاب با فهرستی کامل و تصاویری زیبا و جالب در ۵۸۴ صفحه، احتمالاً در نیمه اول سده نوزدهم، در هند چاپ و منتشر شده است. نام مترجم و تاریخ چاپ کتاب معلوم نیست، ولی نسخه‌ای از این نشر در کتابخانه بریتانیا موجود است که برای اطلاع و ملاحظه خوانندگان صفحه ۹۳ کتاب مزبور را به عنوان نمونه، پیوست این مقاله کرده‌ام. "شرق‌شناس آلمانی ووستنفلد (Wüstenfeld) این کتاب و دیگر کتاب قزوینی را که بعداً شرح می‌دهم، به آلمانی ترجمه و در سال ۱۸۴۸ در گوتینگن (Göttingen) آلمان چاپ و منتشر کرده است. همین کتاب با تصحیحات و توضیحات پروفیسور فلاشر آلمانی (Prof. Fleischer) و با ترجمه جدید دکتر هرمان اته (Dr. Hermann Ethé) با تصاویری

۹۳



و ملائکه آسمان دوم بر صورت عقاب است و بعضی بر نیند که عقاب را در لغت فرس اند و خوانند
و آن ملک که موکل است بر ایشان نام او میثاقیل است و جمله در زیر طاعت او نیند با هم حقیقاً

و ملائکه آسمان سوم بر صورت فرزند ملک بر ایشان موکل است نام او صاع یا تیل است

و ملائکه آسمان چهارم بر صورت اسب پیروز علی که بر ایشان موکل است نام او صلوات است

صفحه‌ای به عنوان نمونه از کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات
انتر زکریای قزوینی، ترجمه فارسی، چاپ هندوستان

زیبا در ۵۳۲ صفحه در سال ۱۸۶۸ در لایپزیگ (Leipzig) چاپ شده است. روسکا (J. Ruska) در مقاله مفصلی که تحت عنوان «مطالعات قزوینی» ("Kazwīni Studien") در ۱۹۱۳ در آلمان منتشر ساخت، نوشت که ووستنفلد از آخرین دستنویس عربی کتاب که در قرن هجدهم تحریر شده، استفاده کرده است، در حالی که دست کم سه دستنویس قدیمی‌تر به عربی موجود است. او مدعی شد که ووستنفلد بعضی از فصول کتاب را به انتخاب خود از دستنویس مورد استفاده خویش حذف نموده و به جای آن فصلهای مشابهی را از دستنویسهای دیگر که پسندیده، گزارده است، و به این ترتیب کتاب جدیدی به وجود آورده که در اصل به آن صورت وجود ندارد. روسکا دستنویسی را که در حاشیه کتاب حیات الحيوان اثر دمیری آمده و در سال ۱۳۱۹ق / ۱۹۰۱ م در قاهره به طبع رسیده است، قدیمی‌تر و معتبرتر می‌داند.^{۱۳} اکثر این دستنویسها با جدولهای جغرافیایی و تصویرهای جالبی از نباتات و حیوانات و مخلوقات عجیب و افسانه‌ای همراه است که ارزش هنری قابل ملاحظه‌ای دارد.

دکتر یاکوب (Dr. Geors Jacob) در ۱۸۹۰ ضمن جزوه‌ای که در برلین تحت عنوان «گزارشگری عرب در قرن دهم و یازدهم میلادی از بعضی از شهرهای آلمان خبر می‌دهد» منتشر کرده، سعی نموده اسامی عربی را که قزوینی در کتاب خود آورده با وجه آلمانی این اسامی تطبیق دهد. او می‌نویسد که «ابولده» شهر بزرگی در فرنگستان که از سنگ ساخته شده، همان Fulda، و ایطرحت، شهر بزرگی در فرنگستان با مناطق وسیع، همان Utrecht، و شلشویق، شهر بسیار بزرگی در آخر دریاهاى زمین، همان Schleswig، و مغانجه که شهر عظیمی است، همان Mainz است. او تعداد دیگری از شهرها و منطقه‌های اروپا را به همین روش تطبیق نموده است.

منابع قزوینی در تهیه این کتاب به درستی معلوم نیست. ووستنفلد از بیست و دو نویسنده یاد می‌کند که آثارشان مورد استفاده قزوینی قرار گرفته است. از جمله به جاحظ و ابن فقیه و ابن اثیر و ابوحمید اندلسی و به کتاب تحفة الفرائب از نویسنده‌ای گمنام و مخصوصاً به کتاب معجم البلدان اثر معروف شهاب‌الدین ابوعبدالله یاقوت حموی^{۱۴} اشاره می‌کند.

کتاب آثار البلاد و اخبار العباد دومین اثر قزوینی است که مربوط به جغرافیاست. این کتاب نخست در سال ۱۲۶۲ق / ۱۲۶۳م. به نام «عجائب البلدان» نشر شد و پس از گذشت سالیانی، نویسنده شخصاً آن را مورد تجدید نظر قرار داد و به صورت کامل‌تر و صحیح‌تری در ۱۲۷۵ق / ۱۲۷۶م به نام آثار البلاد و اخبار العباد منتشر ساخت. خوشبختانه

از هر دو وجه کتاب و ترجمه‌های فارسی و ترکی آن، چند دستنویس به زمان ما رسیده است. از این کتاب به غیر از چاپ ۱۸۴۸ ووستنفلد در گوتینگن، چاپ دیگری در سال ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۰م در بیروت منتشر شده است.

ادوارد براون مستشرق انگلیسی، می‌نویسد:

... کتاب دیگرش به آثار البلاد موسوم است و کمایش توصیف منظمی است از بلاد ممالک مختلف معلوم در نزد مسلمین آن زمان که به ترتیب الفبایی در هفت اقلیم مرتب شده، و از اقلیم اول در آن سوی استوا آغاز می‌شود و به اقلیم هفتم در اقصی ممالک شمالی پایان می‌یابد. ... با آن که کتاب عجائب المخلوقات در شرق بسی معروفتر است، ... دومین کتاب در واقع بسیار مهمتر و جالبتر است، زیرا نه تنها حاوی مقدار زیادی اطلاعات سودمند جغرافیایی است، بلکه بسیاری مطالب گرانبها در شرح احوال دارد. از جمله در زیر نام بلاد، از بسیاری از شاعران ایران از قبیل انوری، عسجدی، اوحدالدین کرمانی، فخری گرگانی، فرخی، فردوسی، جلال طیب، جلال خواری، خاقانی، ابوطاهر خاتونی، مجیر بیلقانی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، عمر خیام، ابوسعید بن ابی‌الخیر، سنائی، شمس طیبی، عنصری و رشیدالدین وطواط سخن گفته است. ... این کتاب سرشار از مطالب جالب و سرگرم کننده است. ... و اگرچه در آن ذکری از انگلستان نشده، اقلیم ششم حاوی مقاله‌ای درباره ایرلند است و مطالبی درباره صید نهنگ دارد و شرح مبسوطی به روم اختصاص یافته است. در اقلیم هفتم به آزمایشهایی برمی‌خوریم که برای اثبات بیگناهی متهم در میان فرانک‌ها مرسوم بوده است، از قبیل افکندن در آب یا آتش و جنگ تن به تن، و نیز به مطالبی درباره افسونگری و یافتن و سوزاندن جادوگر... مسلماً کتابهای انگشت‌شماری را به عربی می‌شناسم که خواندنی‌تر و سرگرم کننده‌تر از این باشد.^{۱۵}

دکتر صفا می‌نویسد:

آثار البلاد کتاب مفصلی است درباره قلاع و شهرها و آبادیهای اقالیم مختلف عالم با ذکر قبایل و خصایص نژادی و اخلاقی و اجتماعی و حتی کیفیت و نوع غذا و پوشش و خانه‌های آنها و ذکر رجال و بزرگان معروف هر یک از بلاد.^{۱۶}

در مورد منابع این کتاب پژوهش‌های بیشتری شده، ووستنفلد صورتی از این منابع به‌دست داده است. او در مقدمه کتاب معجم البلدان اثر یاقوت که ترجمه آلمانی آن را در سال ۱۸۶۶-۷۰ در لایپزیگ به چاپ رسانیده، می‌نویسد که قزوینی از این کتاب در تألیفات خود سود فراوان برده است. کووالسکا (Kowalska) در سال ۱۹۶۷ ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «منابع کتاب آثار البلاد قزوینی» که در نشریه *Folia Orientalia* منتشر کرده، می‌نویسد که حدود سیصد و شصت فصل از ششصد فصل کتاب آثار البلاد از معجم البلدان یاقوت گرفته شده و باقی نیز از منابع دیگر اخذ گردیده است.^{۱۷} به همین مناسبت است که بعضی قزوینی را مورد انتقاد قرار داده‌اند که خود پژوهش دست اولی انجام نداده و مطلب تازه‌ای به دانسته‌های پیشین نیفزوده و تنها به نقل قول و رونویسی از این و آن بسنده کرده و حتی از ذکر منابع خود امتناع ورزیده است. در مقابل، دکتر صفا می‌نویسد که قزوینی این کتاب بسیار مهم جغرافیایی را با اتکاء بر مشاهدات و مطالعات خود نوشته و در آغاز گفته است که در این کتاب آنچه را برای من واقع شده و شناخته‌ام، و آنچه شنیده و دیده‌ام، گرد آوردم.^{۱۸} از آن‌جا که دکتر صفا جز بیان خود قزوینی دلیل دیگری بر صحت ادعای بالا ارائه نمی‌کند، باید پذیرفت که نظر ووستنفلد و کووالسکا به حقیقت نزدیکتر است.

موقعیت علمی قزوینی

با این همه، خبرگان عموماً معتقدند که ذکرهای قزوینی به علت دانش بسیار و هوش سرشار و کار فراوان توانسته است تمامی اطلاعات موجود عصر خود را جمع‌آوری و به روشی متین و سودمند دسته‌بندی و تألیف کند و دانش کیهان‌شناسی و جغرافی را در سطحی بالا و به صورتی علمی بازگو نماید و در عین حال چنان ساده و روشن بنویسد که به جای فضل فروشی و اثبات دانشوری خود، سبب استفاده عمومی شده باشد. غریبها او را گاهی به هرودوت یونانی (Herodotus 484-420 BC) و بلیناس رومی (Gaius Plinius 23-79 AD) مانند کرده‌اند، و او را در سر جمع، بزرگترین کیهان‌شناس عالم اسلام می‌دانند و در نجوم و جغرافیا و زمین‌شناسی و معدن‌شناسی و نبات‌شناسی و حیوان‌شناسی و نژادشناسی، دانشمندی ممتاز و کم‌نظیر می‌شمارند.

کارهای قزوینی به گفته ادوارد براون «خارج از عصر خود قرار دارد»^{۱۹} و در دورانهای بعد از او در جهان اسلام و شبه قاره هندوستان تأثیر فراوان داشته و دانشمندانی را مانند شمس‌الدین دمشقی (وفات ۷۲۷ ق / ۱۳۲۷ م)، احمد بن حمدان حرانی (دوران

شکوفایی حدود سالهای ۷۳۲ق / ۱۳۳۲م)، حمدالله مستوفی قزوینی (وفات ۷۵۰ق / ۱۳۴۹م)، دمیری (وفات ۸۰۸ق / ۱۴۰۵م)، ابن‌وردی (وفات ۸۶۱ق / ۱۴۵۷م) تا محمود بن سعید سفاقی (وفات ۱۲۳۳ق / ۱۸۱۸م) تحت تأثیر قرار داده است.

جهان‌نمای قزوینی

اولین جهان‌نمای قزوینی که شخص وی در قرن سیزدهم (م) ترسیم کرده و جهان معلوم آن عصر را شامل بوده، مناسفانه از بین رفته است، ولی در هر یک از دستنویسهای بعدی کتابهای او که به ما رسیده، نقشه‌ای موجود است. هر یک از این نقشه‌ها بنا بر سلیقه هنرمندی که آن را رونگاری کرده، با نقشه‌های دیگر اندکی تفاوت دارد. نقشه‌ای که مورد بحث و پیوست این مقاله است از کتاب دستنویس عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات نوشته سال ۱۶۲۲م گرفته شده است. اصل این کتاب در کتابخانه پژوهشی گوتا در آلمان (Forschungsbibliothek Gotha) محفوظ است.

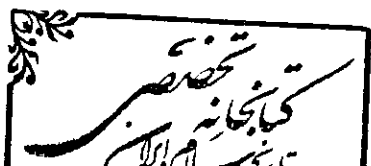
مشخصه‌های اصلی این نقشه به شرح زیر است:

۱ - جنوب در بالای نقشه و شمال در پایین قرار دارد. باید توجه داشت که در قرون وسطی بیشتر مردم در نواحی گرمسیر زندگی می‌کردند، و در نیمکره شمالی توجه مردم بیشتر به جنوب گرم و پرفشار بود، و شاید به همین ملاحظه اکثر نقشه‌نگاران اسلامی جنوب را مهتر دانسته و در بالای نقشه قرار داده‌اند.

۲ - نقشه‌های قرن سیزدهم (م) قزوینی متأثر از مکتب جغرافیای قرن دهم (م) ابوزید بلخی است. آفریقا با مقیاسی بزرگتر ترسیم شده و سراسر نیمه بالا و ربعی راست پایین نقشه را پوشانیده است. اروپا با مقیاسی کوچکتر ظاهر شده و در قسمت کوچکی از ربعی راست پایین قرار گرفته است. آسیا تقریباً تمامی ربعی چپ پایین را اشغال کرده است. آنچه در این ارتباط قابل توجه است این است که در جغرافیای اسلامی تقسیم جهان به قاره‌های اروپا، آفریقا و آسیا معمول نبوده است، و بنابراین اثری از نام این قاره‌ها در نقشه نیست.

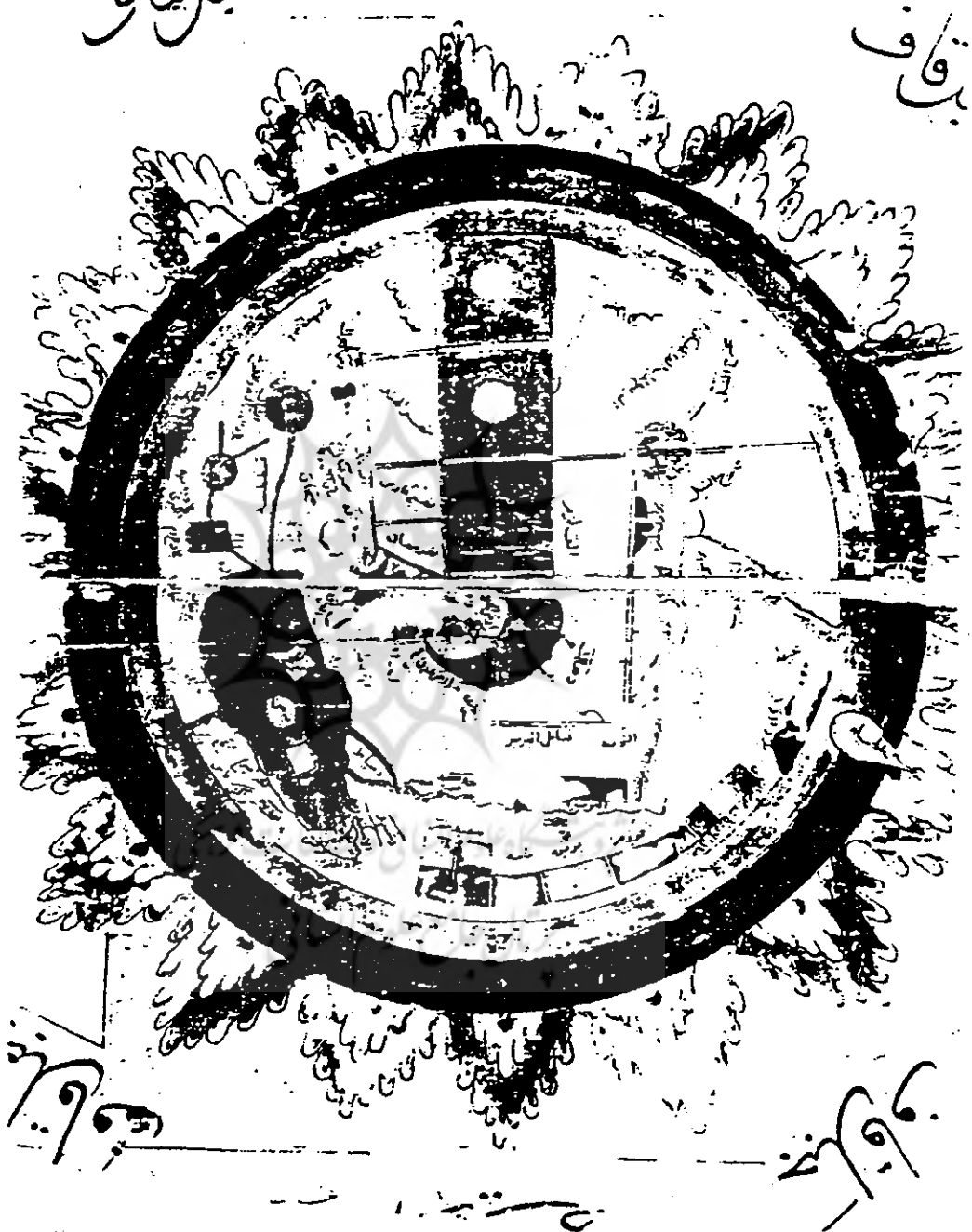
۳ - رودخانه نیل که در جهان اسلام اهمیت خاصی دارد از مشخصه‌های مهم و اصلی نقشه است. این رودخانه از جبل قمر در اواسط آفریقا سرچشمه می‌گیرد و به طرف غرب روان می‌شود و سپس با تغییر جهتی معادل نود درجه به طرف شمال سرازیر می‌گردد و به دریای روم (مدیترانه) می‌ریزد.

۴ - مشخصه مهم دیگر نقشه بحر محیط است که پیرامون جهان معلوم آن عصر را



المحیط جبل قاف

بقاف



جهان‌نمای توریسی از دستمیس بجانب المخلوقات و غرائب الموجودات، ۱۱۲۲، کتابخانه پژوهشی گویا در آلمان.

بقاف

فراگرفته، و از آن دو دریای مهم که بحر فارس (اوقیانوس هند کنونی) و بحر روم (مدیترانه) باشد، به داخل خشکیها منشعب شده است. بحر محیط را از هر طرف جبل قاف احاطه کرده است. به گفته یاقوت، قاف کوهیست افسانه‌ای که نام آن در قرآن آمده و مفسران آن را کوهی می‌دانند محیط بر زمین، و گویند از زبرجد سبز است، و سبزی آسمان از رنگ اوست، و آن اصل و اساس همه کوههای زمین است.^۲ از این کوه چشمه زندگی (عین‌الحیات) به بحر محیط جاری است.

۵ - شبه جزیره عربستان به صورت نیمدایره در نقشه ترسیم شده، و دریای سرخ به صورت سرقلایی آن را احاطه کرده است. عربستان کاملاً در وسط نقشه قرار دارد و جای بیت‌المقدس را که مسیحیان در وسط نقشه دنیا قرار می‌دادند و مرکز عالم می‌دانستند، گرفته است. جدّه و مکه را می‌توان به آسانی دید، در حالی که بیت‌المقدس از نقشه حذف شده است، و این ناشی از تأثیر ملاحظات مذهبی در نقشه‌نگاری اسلامی است. چین، هند، ایران (فارس)، عراق، سمرقند، یاجوج و ماجوج، قسطنطنیه، بلاد روسیه، بلاد روم، پرتقال، اندلس (اسپانیا)، جزیره قبرص، مراکش، الجزایر، تونس، اسکندریه، مصر، یمن، قبائل بربر، حبشه، معادن ذهب (طلا) در آفریقا و بعضی نواحی دیگر در این نقشه مشخص شده است. بعضی از این ممالک مانند چین و هند و ایران به صورت مربع ساده‌ای نموده شده^۱ است، بدون آن که اطلاعات بیشتری را حاوی باشد. علت آن است که در نقشه‌نگاری اسلامی توضیحات مندرج در کتاب جغرافیا یا سفرنامه مکمل و متمم نقشه است. به بیان دیگر، نقشه‌نگاران اسلامی و از جمله ایرانی هرگز نخواسته‌اند تمام اطلاعات موجود را که در کتاب خود آورده‌اند، روی نقشه نیز منتقل نمایند، و در این مورد روش آنان با غربیان کاملاً متفاوت است. بنابراین برای آگاهی از فاصله‌ها و اندازه کشورها و جزیره‌ها و اطلاعات دیگر جغرافیایی باید به متن کتاب نقشه‌نگاران مراجعه شود.

لندن، اکتبر ۱۹۹۳

بانیوسها و کتاب‌شناسی

۱ - *The History of Cartography, Volume 2, Book 1, Cartography in the Traditional Islamic and South Asian Societies*, edited by Prof. J. B. Harley and Prof. David Woodward, University of Chicago Press, 1992, Cover Illustration

۲ - *Journal of the International Map Collectors' Society*, Issue No.52, London, Spring 1993, pp. 19-23.

۳ - ق = هجری قمری. م = میلادی.

- ۴ - لغت‌نامه - علی اکبر دهخدا - سازمان لغت‌نامه - جابخانه دانشگاه تهران - عنوانهای فزونی و زکریا.
- ۵ - ایرانی شدن به مفهوم واژه انگلیسی Persianized - یعنی هم آهنگ شدن با فرهنگ و سنتها و زبان و ادب ایران.
- ۶ - *The Encyclopaedia of Islam, New Edition, Volume 4, Leiden, 1973-78, Edited by E.J. Brill, Fascicule 73/74 (1976), pp. 865-867, Entry "Kazwini" by T. Lewicki.*
- ۷ - تاریخ ادبیات در ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - جلد سوم - کتاب اول - صفحه ۲۷۹ (چاپ پنجم - انتشارات فردوس - تهران ۱۳۶۶).
- ۸ - به «دائرةالمعارف اسلام» (۶) مراجعه شود.
- ۹ - تاریخ ادبیات در ایران (۷) صفحه ۲۰۸.
- ۱۰ - به «دائرةالمعارف اسلام» (۶) مراجعه شود.
- ۱۱ - Cosmography
- ۱۲ - عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات - ذکر یا قزوینی - ترجمه فارسی - چاپ هندوستان در کتابخانه بریتانیا تحت شماره ۲۸ - ۱۴۸۰۷ ثبت شده است.
- ۱۳ - به «دائرةالمعارف اسلام» (۶) مراجعه شود.
- ۱۴ - کتاب معجم البلدان یا قوت در ۷۱-۱۸۶۶ در شش مجلد به وسیله ووستنفلد به آلمانی ترجمه و چاپ شده است. این کتاب را بزرگترین و ارزنده‌ترین دائرةالمعارف جغرافیای اسلامی دانسته‌اند. شهاب‌الدین ابو عبدالله یا قوت حموی از والدینی یونانی در آسیای صغیر در سال ۱۱۷۹ (م) متولد شد و در سال ۱۲۲۹ (م) در سوریه درگذشت. برای کتب اطلاع بیشتر به تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد براون (۱۵) صفحه ۱۶۸ و ۱۶۹ مراجعه شود.
- ۱۵ - تاریخ ادبیات ایران - ادوارد براون - از فردوسی تا سعدی، نیمه دوم، ترجمه غلامحسین صدری افشار - انتشارات مروارید ۱۳۵۱، تهران، صفحه ۱۶۹ و ۱۷۰.
- The Literary History of Persia, Edward G. Browne, Volume 2, From Firdowsi to Sa'di, London 1906.*
- ۱۶ - تاریخ ادبیات در ایران (۷) صفحه ۲۸۰.
- ۱۷ - به «دائرةالمعارف اسلام» (۶) مراجعه شود.
- ۱۸ - تاریخ ادبیات در ایران (۷) صفحه ۲۸۰.
- ۱۹ - تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون (۱۵) صفحه ۱۷۰.
- ۲۰ - فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، مجلد ششم، صفحه ۱۱۳۲، به نقل از معجم البلدان یا قوت حموی.
- ۲۱ - نهر در این نقشه به معنای منطقه و سرزمین است، برای مثال منظور از نهر العین، سرزمین چین است.